نازه‌های نشر

چاپ دوازدهم کتابی با موضوع مبارزات سیاسی حسنین علیهما‌السلام

چاپ دوازدهم کتاب «دو امام مجاهد» شامل ۶ گفتار از حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در تحلیل مبارزات سیاسی حسنین(ع) منتشر شد. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، این اثر که حاصل گردآوری ۶ سخنرانی از رهبر معظم انقلاب در سال‌های ۵۱ و ۵۲ شمسی است، به وقایع صلح امام حسن(ع) و قیام اباعبدالله‌الحسین(ع) می‌پردازد.

پس از آغاز پویش کتاب‌خوانی دو امام مجاهد در ماه صفر، این کتاب با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد و در حال حاضر چاپ دوازدهم آن روانه بازار نشر شده است.

کتاب دو امام مجاهد مشتمل بر ۶ گفتار از آیت‌الله خامنه‌ای است که در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ ایراد شده است. گفتار اول کتاب، شامل دو سخنرانی رهبر معظم انقلاب در فروردین سال ۱۳۵۱ است که در حسینیه ارشاد تهران انجام شده است. ایشان در این دو جلسه، علاوه بر شرح نظریه «انسان ۲۵۰ ساله» به جایگاه والا و مهم امام حسن(ع) در این دوران و چرایی دست کشیدن از جنگ و علل پذیرفتن آتش‌بس و پیمان با انقلاب دانستن بعثت پیامبر اکرم(ص)، دگرگونی‌هایی را که پس از ظهور پیامبر اسلام در جامعه جاهلی آن روز ایجاد شد، برمی‌شمرند. رهبر انقلاب اهمّ اهداف پیامبر را گسترانیدن تفکر توحیدی و نفی عبودیت طاغوت، ازبین‌بردن اختلافات طبقاتی و ناعدالتی‌ها و تکریم انسان می‌دانند. ایشان با پرداختن به موضوع انحراف جامعه اسلامی از اهداف بعثت، به ترسیم شرایط دوران خلفای سه‌گانه اول به‌ویژه خلیفه سوم می‌پردازند.

در گفتار چهارم به اهداف قیام حسینی اشاره شده و برای روشن شدن مطلب به تحلیل ریشه‌های آن می‌پردازند. ایشان با انقلاب دانستن بعثت پیامبر اکرم(ص)، دگرگونی‌هایی را که پس از ظهور پیامبر اسلام در جامعه جاهلی آن روز ایجاد شد، برمی‌شمرند. رهبر انقلاب اهمّ اهداف پیامبر را گسترانیدن تفکر توحیدی و نفی عبودیت طاغوت، ازبین‌بردن اختلافات طبقاتی و ناعدالتی‌ها و تکریم انسان می‌دانند. ایشان با پرداختن به نکته جالب‌توجه در این گفتار، قسمت پایانی آن است که با دعوت مخاطب به تفکر در اهداف قیام امام حسین(ع) با نقل داستان «طوطی و بازرگان» همگان را به انقلاب برضد بیدادبن فرامی‌خوانند.

گفتار آخر کتاب در دو جلسه مربوط به سخنرانی شب عاشورای ایشان در جمعه سال ۱۳۹۳ هجری قمری (مصادف با ۲۴ بهمن ۱۳۵۲) در این هیئت است. در این گفتار با نقد سه نظریه در باب قیام حسینی، نظریه چهارمی را به‌عنوان نظریه صحیح اثبات می‌کنند. ایشان هدف قیام حسینی را تجدید حیات انقلاب پیامبر اعظم(ص) می‌دانند و در این گفتار نیز به طور ضمنی و در لفافه مخاطب خود را به الگوبرداری از حرکت امام حسین(ع) در قیام برضد دشمنان اسلام و حاکمان طاغوتی دعوت می‌کنند. گفتنی است، پویش کتاب‌خوانی دو امام مجاهد با جایزی به ارزش ۲۱۰ میلیون ریال در حال برگزاری است و علاقه‌مندان می‌توانند از پایگاه اینترنتی انتشارات به آدرس www.khameneibook.ir در این پویش شرکت کنند.

نکته‌ها

آیت‌الله جاودان

آخرین وصیت‌های امام حسن مجتبی(ع)

صاحب کفایه الاثر به سند معتبر از جنادة بن ابی امیه روایت کرده در بیماری امام حسن(ع) که بر اثر آن ارتحال فرمود، خدمت او رفتم، دیدم در پیش روی او تشتی گذاشته بودند و پاره پاره جگر میارکش را در آن تشت می‌ریخت.

گفتم: ای مولای من! چرا خود را معالجه نمی‌کنی؟ فرمود: ای بنده خدا! مرگ را به چه چیز علاج می‌توان کرد؟ گفتم: «اَنّا لله وَاِنّا اِلَیْه راجِعُون». پس به سوی من ملتفت شد و فرمود: رسول خدا(ص) به ما خبر داد پس از او ۱۲ خلیفه و امام خواهند بود، ۱۱ کس ایشان از فرزندان علی و فاطمه باشند و همه ایشان به تیغ یا به زهر شهید شوند. پس تشت را از نزد آن حضرت برداشتند.

حضرت گریست؛ گفتند: یابن رسول‌اللّه! ما را موعظه کن! قال نعم: اِستَعِدّ لِسَفَرِک وَحَصِّل زادَک قَبلَ حُلول اَجَلِک... مهیای سفر آخرت شو و توشه آن سفر را پیش از رسیدن اجل تحصیل کن و بدان تو طلب دنیا می‌کنی و مرگ تو را طلب می‌کند؛ بار مکن اندوه روزی را که هنوز نیامده است بر روزی که در آن هستی و بدان هر چه را از مال تحصیل کنی زیاده از قوت خود بهره نخواهی داشت و خزانه‌دار دیگری خواهی بود.

بدان در حلال دنیا حساب است و در حرام دنیا عقاب و مرتکب شبهه‌های آن شدن موجب عتاب است، پس دنیا را نزد خود به منزله مردار فی فرض کن و از آن مگیر مگر به قدر آنچه تو را کافی باشد که اگر حلال باشد زهد در آن ورزیده باشی و اگر حرام باشد در آن وِزر و گناهی نداشته باشی؛ زیرا آنچه گرفته باشی بر تو حلال باشد چنان‌که میته حلال می‌شود در حال ضرورت و اگر عتابی باشد عتاب کمتر باشد. برای دنیای خود چنان کار کن که گویا همیشه خواهی بود و برای آخرت خود چنان کار کن که گویا فردا خواهی مرد.

اگر خواهی عزیز باشی بی‌قوم و قبیله و مهابت داشته باشی بی‌سلطنت و حکمی، پس بیرون رو از مذلت معصیت خدا به سوی عزت اطاعت خدا، از این نوع مواعظ و سخنان اعجاز نشان فرمود تا آنکه نفس مقدسش منقطع و رنگ مبارکش زرد شد.

نیم نگاه

نشان دادن حرمت و عظمت امام حسن علیه‌السلام توسط حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله

حجت‌الاسلام رفیعی در گفت‌وگو با قدس گفت: با توجه به ایام شهادت امام حسن مجتبی(ع) و پیامبر گرامی اسلام(ص) جا دارد چند جمله‌ای هم درباره جایگاه والای امام حسن(ع) نزد رسول خدا(ص) بگویم. دانشمندان شیعه و سنی به‌طور مکرر از محبت فوق‌العاده رسول خدا(ص) به امام حسن(ع) سخن گفته‌اند. ابوهریره، از محدثان بزرگ اهل سنت که روایاتی را از او در منابع اهل سنت نقل کرده‌اند با اینکه با امام حسن(ع) و امیرالمؤمنین(ع) رابطه خوبی نداشت، می‌نویسد: «وقتی حسن بن علی(ع) را در کوچه‌های مدینه می‌بینم یاد نمی‌رود در آغوش پیامبر بود». در روایات آمده: حضرت محمد(ص) گاهی در مقابل انبوه یک مسیر طولانی امام حسن(ع) را روی یک شانه و امام حسین(ع) را روی شانه دیگر می‌گذاشت و حرکت می‌کرد. یکی از اصحاب گفت: بگذارید ما آن‌ها را حمل کنیم. آن حضرت فرمود: نه، این‌ها خوب راکبانی هستند. در ادامه حضرت می‌فرماید: مرکوب این‌ها خوب است اما سوارکار بهتر از مرکوب است.

حدیثی از قول رسول خدا(ص) آمده است: «الحمدلله الذی جعل فی ذریتی مثل یحیی بن زکریا» یعنی «خدا را شکر که در نسل من کسی را مانند یحیی پسر زکریا قرار داد». بنابر قرآن به حضرت یحیی(ع) نزد رسول خدا(ص) یگویم. دانشمندان شیعه و سنی به‌طور مکرر از محبت فوق‌العاده رسول خدا(ص) به امام حسن(ع) سخن گفته‌اند. ابوهریره، از محدثان بزرگ اهل سنت که روایاتی را از او در منابع اهل سنت نقل کرده‌اند با اینکه با امام حسن(ع) و امیرالمؤمنین(ع) رابطه خوبی نداشت، می‌نویسد: «وقتی حسن بن علی(ع) را در کوچه‌های مدینه می‌بینم یاد نمی‌رود در آغوش پیامبر بود». در روایات آمده: حضرت محمد(ص) گاهی در مقابل انبوه یک مسیر طولانی امام حسن(ع) را روی یک شانه و امام حسین(ع) را روی شانه دیگر می‌گذاشت و حرکت می‌کرد. یکی از اصحاب گفت: بگذارید ما آن‌ها را حمل کنیم. آن حضرت فرمود: نه، این‌ها خوب راکبانی هستند. در ادامه حضرت می‌فرماید: مرکوب این‌ها خوب است اما سوارکار بهتر از مرکوب است. هر کس از او پیروی کند از من است و هرکس نافرمانی اش کند از من نیست». برداشت من این است پیامبر(ص) با رفتار و سخنان خود می‌خواست حرمت و عظمت امام حسن(ع) را به مردم و اصحاب نشان دهد تا آن حضرت را تکریم کنند. چون می‌دید در آینده چه بحرودی با ایشان خواهد شد و می‌خواست جای حرفی باقی نگذارد.

دیدگاه

حجاب، دلیل اجتماعی بودن زن از دید اسلام است

حجت‌الاسلام سید علی قاضی عسکر فلسفه حجاب را حضور اجتماعی زن قلمداد کرد و گفت: چون قرار است زن در جامعه نقش‌آفرین باشد، برای اینکه از تعرض مردان مصون باشد و به ایفای نقش خود بپردازد، اسلام دستور داده حجاب داشته باشد.

به گزارش ایکنا، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی قاضی عسکر، تولیت آستان حضرت عبدالعظیم(ع) در آیین آغاز سال تحصیلی حوزه علمیه خواهران استان تهران که در حرم حضرت عبدالعظیم برگزار شد، اظهار کرد: نگاه قرآن به شخصیت زن یک نگاه استقلالی است. گاهی افراد تصور می‌کنند زن برای مرد آفریده شده است ولی اسلام چنین نگاهی را قبول ندارد و از نظر اصل خلقت، زن را با مرد یکسان می‌داند: «خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْوَاجًا». از همان گلی که مرد سرشته شد، زن هم ایجاد شده و اسلام در اصل خلقت برای مردان امتیاز ویژه قائل نیست. تصریح قرآن این است در اصل خلقت، هیچ امتیازی برای مردان نسبت به زنان وجود ندارد. این‌ها دو موجود هستند که به هم احتیاج دارند و اگر کدام نباشد نیمی از خلقت ناقص است.

در امور معنوی هم قرآن زن و مرد را یکسان می‌بیند و می‌فرماید: «من عمل صالحا من ذکر او انثی...». در بحث حق مالکیت هم باز اسلام هر دو را یکسان دیده و فرموده است: «للرجال نصیب مما اکتسبوا وللنساء نصیب مما اکتسبن» پس در مورد مالکیت هم تساوی برقرار است.

قرآن در جای دیگر می‌فرماید: «و اذا طلقتم النساء فبلغن اجلهن فامسکوهن بمعروف او سرحوهن بمعروف»، بر اساس این آیه، خداوند برخود شایسته را یک اصل ضروری برای زنان و مردان می‌داند و مردان حق اهانت و تنبیه زنان را ندارند. در بحث مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی خود قرآن مسئله را صریح و روشن بیان می‌کند: «یا ایها النبی اذا جاءک المؤمنات یبایعنک علی ان لا یشرکن بالله شیئا...» بیعت یک امر سیاسی و اجتماعی است و در این آیه به پیامبر(ص) اجازه داده شده با زنان بیعت کند. از نظر فعالیت‌های اقتصادی زنان باید عرض کنم خود پیامبر(ص) همسری را انتخاب می‌کند که روزی از طرف او اجیر شده بود و کار اقتصادی انجام می‌داد. پیامبر(ص) نگفت این با شئونات پیامبری سازگاری ندارد. شما از فقها بپرسید فعالیت اقتصادی زنان جایز است یا نه، هیچ فقیهی زنان را از فعالیت اقتصادی منع نمی‌کند. از نظر حوزه پیشرفت و علم‌آموزی هم اسلام فراگرفتن دانش را برای مردان و زنان واجب کرده است. زمانی متدینان فکر می‌کردند دختران به مدرسه نروند دینشان حفظ می‌شود ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی زنان پیشرفت شایسته‌ای در حوزه علم پیدا کردند و امروز مشاهده می‌کنید چه در حوزه علمیه که زنان مجتهد فراوان داریم و چه در علوم روز مثل پزشکی و صنعت، زنان افتخارآفرینی می‌کنند. زن و مرد باید با یه پای هم در حوزه‌های مختلف جلو بروند، چون باید جامعه را با هم بسازند.

■ **رشد دادن زنان، مورد اهتمام اهل بیت(ع)**

وقتی به صدر اسلام برمی‌گردید می‌بینید رشد دادن زن یک مسئله مهم برای ائمه(ع) بود و خود فاطمه زهرا(س) با اینکه عمرشان کوتاه بود ولی قضیه را طوری تربیت می‌کنند که پس از حضرت زهرا(س) آن قدر مسلط به قرآن بود که هر کس از او سؤال می‌کرد پاسخش را با قرآن می‌داد.

در بحث حضور زن در جامعه، این تفکر از کجا آمده که زن باید در خانه بنشیند و شوهرداری کند؟ بله، ما در روایات داریم جهاد زن این است خوب همسرداری کند. نقش زن برای مرد در زندگی بسیار نقش بزرگی است. همسرداری کار ساده‌ای نیست. شخصی نزد پیامبر(ص) آمد و گفت همسری دارم که وقتی به خانه می‌روم به استقبالم می‌آید، وقتی از خانه بیرون می‌روم مرا بدرقه می‌کند. پیامبر(ص) فرمود قدر همسرت را بدان، این همسر از عمال و کارگزاران خداست. در کنار همسرداری و فرزندپروری، اسلام برای حضور زن در جامعه مانعی ایجاد نمی‌کند. پیامبر(ص) فرمود: منع نکنید زنان به مسجد بیایند. در صدر اسلام بسیاری از مسائل در مسجد اتفاق می‌افتد و مسجد فقط جای عبادت نبود. پس زن باید در جامعه نقش آفرین باشد و نمی‌شود در جامعه حضور نداشته باشد. در همین موضوع حجاب چقدر روی این مسئله کار کردیم و توانستیم برای خانم‌ها جا بیندازیم که حجاب محدودیت نیست، مصونیت است؟ این‌هایی که علیه حجاب حرف می‌زنند و می‌گویند زن به خاطر حجاب در محدودیت قرار گرفته، معنای حجاب را نفهمیدند. زن که در خانه حجاب نمی‌خواهد.

حجاب زن دلیل اجتماعی بودن زن از دید اسلام است چون قرار است زن در جامعه نقش آفرین باشد، برای اینکه از تعرض مردان مصون باشد و به ایفای نقش خود بپردازد، اسلام دستور داده حجاب داشته باشد.

پنجره

احترام امام خمینی علیه‌السلام به اسما، متبرکه

نقل امام خمینی(ره) در پاریس که بود، روزی هنگام خروج از خانه، وقتی می‌خواست کفش بپوشد، پایش را که بلند کرد تا روی روزنامه بگذارد، پرسید: مثل اینکه این روزنامه‌ها ایرانی است؟ عرض کردند: بله آقا! ولی این صفحه آگهی‌هاست. با این حال، امام پایش را روی روزنامه نگذاشت و برگشت و فرمود: شاید یک اسم محمد یا علی در این‌ها باشد.

هر کس امر به معروف کند به مؤمن نیرو می‌بخشد و هر کس نهی از منکر کند بینی منافق را به خاک مالیده و از مکر او در امان می‌ماند.

سنگ‌های زیربنای اسلام سه چیز است: نماز، زکات و ولایت که هیچ یک از آن‌ها بدون دیگری درست نمی‌شود.

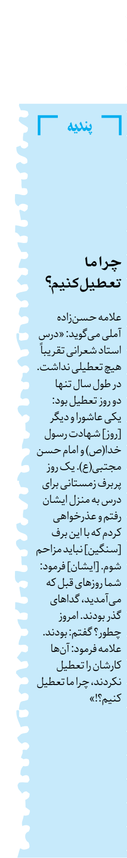

حجت‌الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی در گفت‌وگو با قدس از سیره امام مجتبی(ع) می‌گوید

شهدای عاشورا، شاگردان مکتب امام حسن علیه‌السلام

گزیده

یک‌بار امام حسن(ع) در مسجد معتکف بود؛ فردی آمد و درخواست کرد امام ضامنش شود. امام موافقت کرد و برای ضمانت او از مسجد خارج شد. امام حسن(ع) شخصیتی است که بلافاصله پس از شهادت پدرش، امام علی(ع) لشکر از هم پاشیده را برای جنگ با حکومت اموی جمع کرد. اما شرایطی که پیش آمد مثل خیانت یاران امام، آن حضرت را مجبور به صلح کرد.

■ **متأسفانه در منبرها و محافل مذهبی این بعد از زندگی امام حسن(ع) مورد غفلت قرار گرفته و کمتر به دشمن‌ستیزی و شجاعت ایشان(ع) پرداخته می‌شود؛ حتی گاهی آن حضرت را به عنوان امام صلح مطرح می‌کنند.**

بله؛ امام حسن(ع) همان‌طور که در خانه مظلوم بود، تاریخش هم مظلوم است. در حالی که شجاعت ایشان بسیار شاخص است و باید به آن توجه کرد. آن حضرت برای جنگ با معاویه به مدائن لشکر کشید منتها عزیزترین فرماندهانش، حتی عبیدالله بن عباس که فرمانده مشهوری است، به ایشان خیانت و حتی پای امام را مجروح کردند و ایشان مجبور شد به صلح تن دهد. اگر کسی می‌خواهد امام حسن(ع) را بشناسد کافی است مروری به خطبه‌های آن حضرت در برابر معاویه و عمروعاص داشته باشد. معاویه پس از صلح با امام حسن(ع)، به کوفه آمد و در سخنرانی خود خیلی به امام حسن(ع) توهین کرد. امام بلند شد و فرمود: ایها الذاکر! ای کسی که به پدرم جسارت کردی، بگذار بگویم من پدرم کیست و پدر تو کیست. پدر من علی(ع) است و پدر تو ابوسفیان. من مادرم فاطمه زهراست و تو هند جگرخوار و همه را برشمرد و چنان با عظمت باطن پلید معاویه را به همه شناساند که جلسه را با شجاعتش به هم ریخت.

■ **از فضائل علمی و نقش آن حضرت در گسترش معارف ناب اسلامی برایمان بگویید.**

امام حسن(ع) حدود هفت سال از زندگی میارکشان را در محضر جد بزرگوارشان بودند و همراه امام حسین(ع) در مکتب رسول گرامی اسلام(ص) آموزش دیدند. آن حضرت بسیار مقید بودند هر روز سخنرانی پیامبر(ص) در مسجد را بشنوند. موقع بازگشت هم متن سخنرانی رسول خدا(ص) را برای حضرت زهرا(س) بیان می‌کردند. در روایت داریم امام حسن(ع) پنج سال داشت و کنار جدش در مسجد نشسته بود که ابوسفیان برای منصرف کردن پیامبر(ص) از فتح مکه وارد مسجد شد. هرچه اصرار کرد رسول خدا(ص) نپذیرفت. ابوسفیان امام حسن(ع) را شجاعانه به قلب دشمن می‌زد که اصحاب تعجب کرده بودند. حتی جنگ جمل با تلاش ایشان تمام شد. امام حسن(ع) شخصیتی است که بلافاصله پس از شهادت پدرش، امام علی(ع) لشکر از هم پاشیده را برای جنگ با حکومت اموی جمع کرد. اما شرایطی که پیش آمد مثل خیانت یاران امام، آن حضرت را مجبور به صلح کرد.

■ **متأسفانه در منبرها و محافل مذهبی این بعد از زندگی امام حسن(ع) مورد غفلت قرار گرفته و کمتر به دشمن‌ستیزی و شجاعت ایشان(ع) پرداخته می‌شود؛ حتی گاهی آن حضرت را به عنوان امام صلح مطرح می‌کنند.**

بله؛ امام حسن(ع) همان‌طور که در خانه مظلوم بود، تاریخش هم مظلوم است. در حالی که شجاعت ایشان بسیار شاخص است و باید به آن توجه کرد. آن حضرت برای جنگ با معاویه به مدائن لشکر کشید منتها عزیزترین فرماندهانش، حتی عبیدالله بن عباس که فرمانده مشهوری است، به ایشان خیانت و حتی پای امام را مجروح کردند و ایشان مجبور شد به صلح تن دهد. اگر کسی می‌خواهد امام حسن(ع) را بشناسد کافی است مروری به خطبه‌های آن حضرت در برابر معاویه و عمروعاص داشته باشد. معاویه پس از صلح با امام حسن(ع)، به کوفه آمد و در سخنرانی خود خیلی به امام حسن(ع) توهین کرد. امام بلند شد و فرمود: ایها الذاکر! ای کسی که به پدرم جسارت کردی، بگذار بگویم من پدرم کیست و پدر تو کیست. پدر من علی(ع) است و پدر تو ابوسفیان. من مادرم فاطمه زهراست و تو هند جگرخوار و همه را برشمرد و چنان با عظمت باطن پلید معاویه را به همه شناساند که جلسه را با شجاعتش به هم ریخت.

■ **از فضائل علمی و نقش آن حضرت در گسترش معارف ناب اسلامی برایمان بگویید.**

امام حسن(ع) حدود هفت سال از زندگی میارکشان را در محضر جد بزرگوارشان بودند و همراه امام حسین(ع) در مکتب رسول گرامی اسلام(ص) آموزش دیدند. آن حضرت بسیار مقید بودند هر روز سخنرانی پیامبر(ص) در مسجد را بشنوند. موقع بازگشت هم متن سخنرانی رسول خدا(ص) را برای حضرت زهرا(س) بیان می‌کردند. در روایت داریم امام حسن(ع) پنج سال داشت و کنار جدش در مسجد نشسته بود که ابوسفیان برای منصرف کردن پیامبر(ص) از فتح مکه وارد مسجد شد. هرچه اصرار کرد رسول خدا(ص) نپذیرفت. ابوسفیان امام حسن(ع) را شجاعانه به قلب دشمن می‌زد که اصحاب تعجب کرده بودند. حتی جنگ جمل با تلاش ایشان تمام شد. امام حسن(ع) شخصیتی است که بلافاصله پس از شهادت پدرش، امام علی(ع) لشکر از هم پاشیده را برای جنگ با حکومت اموی جمع کرد. اما شرایطی که پیش آمد مثل خیانت یاران امام، آن حضرت را مجبور به صلح کرد.

■ **متأسفانه در منبرها و محافل مذهبی این بعد از زندگی امام حسن(ع) مورد غفلت قرار گرفته و کمتر به دشمن‌ستیزی و شجاعت ایشان(ع) پرداخته می‌شود؛ حتی گاهی آن حضرت را به عنوان امام صلح مطرح می‌کنند.**

بله؛ امام حسن(ع) همان‌طور که در خانه مظلوم بود، تاریخش هم مظلوم است. در حالی که شجاعت ایشان بسیار شاخص است و باید به آن توجه کرد. آن حضرت برای جنگ با معاویه به مدائن لشکر کشید منتها عزیزترین فرماندهانش، حتی عبیدالله بن عباس که فرمانده مشهوری است، به ایشان خیانت و حتی پای امام را مجروح کردند و ایشان مجبور شد به صلح تن دهد. اگر کسی می‌خواهد امام حسن(ع) را بشناسد کافی است مروری به خطبه‌های آن حضرت در برابر معاویه و عمروعاص داشته باشد. معاویه پس از صلح با امام حسن(ع)، به کوفه آمد و در سخنرانی خود خیلی به امام حسن(ع) توهین کرد. امام بلند شد و فرمود: ایها الذاکر! ای کسی که به پدرم جسارت کردی، بگذار بگویم من پدرم کیست و پدر تو کیست. پدر من علی(ع) است و پدر تو ابوسفیان. من مادرم فاطمه زهراست و تو هند جگرخوار و همه را برشمرد و چنان با عظمت باطن پلید معاویه را به همه شناساند که جلسه را با شجاعتش به هم ریخت.

■ **از فضائل علمی و نقش آن حضرت در گسترش معارف ناب اسلامی برایمان بگویید.**

امام حسن(ع) حدود هفت سال از زندگی میارکشان را در محضر جد بزرگوارشان بودند و همراه امام حسین(ع) در مکتب رسول گرامی اسلام(ص) آموزش دیدند. آن حضرت بسیار مقید بودند هر روز سخنرانی پیامبر(ص) در مسجد را بشنوند. موقع بازگشت هم متن سخنرانی رسول خدا(ص) را برای حضرت زهرا(س) بیان می‌کردند. در روایت داریم امام حسن(ع) پنج سال داشت و کنار جدش در مسجد نشسته بود که ابوسفیان برای منصرف کردن پیامبر(ص) از فتح مکه وارد مسجد شد. هرچه اصرار کرد رسول خدا(ص) نپذیرفت. ابوسفیان امام حسن(ع) را شجاعانه به قلب دشمن می‌زد که اصحاب تعجب کرده بودند. حتی جنگ جمل با تلاش ایشان تمام شد. امام حسن(ع) شخصیتی است که بلافاصله پس از شهادت پدرش، امام علی(ع) لشکر از هم پاشیده را برای جنگ با حکومت اموی جمع کرد. اما شرایطی که پیش آمد مثل خیانت یاران امام، آن حضرت را مجبور به صلح کرد.

درنگ

معنای حلم و بردباری در کلام امام حسن علیه‌السلام

حجت‌الاسلام رفیعی در گفت‌وگو با قدس گفت: در کتاب تحف‌العقول روایتی ارزشمند از گفت‌وگوی امیرالمؤمنین(ع) و امام حسن(ع) نقل شده؛ سؤال‌کننده امیرالمؤمنین(ع) است و پاسخ‌دهنده امام حسن(ع). یکی از سؤالات امام علی(ع) از فرزندش امام حسن(ع) درباره معنای حلم و بردباری است. امام در پاسخ به پدر می‌فرماید: «حلم این است آدم خشم و عصبانیتش را کنترل کند». حلیم یکی از صفات ذات اقدس الهی است. انبیا هم حلیم هستند. خدا در قرآن می‌فرماید: ابراهیم حلیم بود. در آیه‌ای دیگر آمده: اگر می‌خواهید به بهشت بروید خشم خودتان را کنترل کنید. این فضیلت اخلاقی در سیره امام حسن(ع) بسیار برجسته است. حلم و بردباری امام از صفات الهی است؛ در دعای جوشن کبیر هم می‌گوییم: یا حلیما لایعجل. فردی به امام حسن(ع) کلی ناسزا گفت. اما آن حضرت به جای عصبانیت، به او فرمود: مشکلت چیست که آن را حل کنم، فرد شرمنده شد و اشک در چشمانش حلقه زد. این دقیقا برخورد قرآنی و اسلامی است.

حدیث داریم اگر کسی به شما ناسزا گفت و پاسخ ندهید، خدا از شما راضی می‌شود. البته کنترل خشم در موقعی که کسی حق شما را بخورد و شما را خوار کند جایز نیست.

معاویه جلسه‌ای با حضور ولید، عمروعاص و دیگر یارانش تشکیل داد. سپس دنبال امام حسن(ع) فرستادند که ایشان را تحقیر کنند. تا امام وارد شد شروع به جسارت و تمسخر امام حسن(ع) و پدر بزرگوارشان. امام علی(ع) کردند. آقا رو به معاویه کرد و گفت: رسول خدا(ص) تو و پدرت را هفت جا لعنت کرده است؛ در احد، بدر، خندق و... همه را شمرد. پاسخ عمروعاص و دیگران را نیز با بیانی قاطع داد. وقتی امام از مجلس بیرون رفت معاویه به یارانش گفت: من گفتم چیزی به حسن نگویید زیرا شکست می‌خوریم!

یادداشت

تأکیدهای امام رضا علیه‌السلام بر انتظار فرج امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

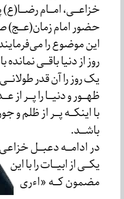

حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی شیعتی تبار | همواره وجود مبارک امام زمان(عج) و بحث انتظار فرج در سخنان همه ائمه اطهار(ع) بوده است، اما می‌توان گفت این موضوع توسط امام رضا(ع) بسیار مورد تأکید بوده تا جایی که ایشان قصیده مشهور دعبل خزاعی را با ابیات خود تکمیل کردند و در این ابیات به حضور امام زمان(عج) در سال‌های پس از شهادت خویش اشاره داشتند.

این قصیده این‌گونه آغاز می‌شود: «مدارس آیات خلت من تلاوة و منزل وحی مقفر العراصات»، معنی این دو بیت این است آن خانه‌ها، جایگاه تدریس آیاتی چند بود که به بیت رسالت در آن‌ها تفسیر آیات می‌فرمودند و اکنون به سبب جور مخالفان، از تلاوت قرآن خالی شده، زیرا جای تفسیر آن، محل نزول وحی الهی بود و اکنون عرصه‌های آن عبارت و هدایت خالی و بیابان و ویران شده است.

پس از اینکه دعبل خزاعی دو بیت «خروج امام لا محالة واقع، یقوم علی اسم الله بالبرکات، یمیز فینا کل حق و باطل و یجزیی علی النعماء و النقمات» را برای امام رضا(ع) می‌خواند، ایشان گریه می‌کنند و می‌فرمایند: ای خزاعی، روح‌القدس این دو بیت را به زبان تو انداخته است، آیا می‌دانی آن امام کیست؟ دعبل خزاعی می‌گوید: نه، مولای من، جز اینکه شنیده‌ام امامی از خاندان شما خروج خواهد کرد و دنیا را از فساد، پاک و پر از عدل و داد خواهد نمود. امام رضا(ع) می‌فرمایند: پس از من پسرم محمد امام است و پس از او پسرش علی و پس از علی پسرش امام حسن عسکری(ع) و پس از او پسرش، حجت منتظر که ظهورش حتمی و قطعی.

براساس روایت‌های موجود از دعبل خزاعی، امام رضا(ع) پس از اینکه از حضور امام زمان(عج) صحبت می‌کنند، این موضوع را می‌فرمایند اگر بیش از یک روز از دنیا باقی نمانده باشد، خداوند همان یک روز را آن قدر طولانی خواهد کرد تا آن امام ظهور و دنیا را پر از عدل و داد کند، با اینکه پر از ظلم و جور شده باشد.

در ادامه دعبل خزاعی یکی از ابیات را با این مضمون که «ای فیئهم فی غیر هم متقسما و ایدیهم من فیئهم صفرات» می‌خواند که براساس عیون اخبارالرضا، این بیت به عصر روز عاشورا اشاره دارد و امام رضا(ع) نیز این بیت را تأیید کرده‌اند.

زمانی که دعبل به بیت «و قبر بغداد لنفس زکیة، تضمنها الرحمن فی الغرفات» رسید، امام هشتم(ع) به او فرمودند دو بیت پایانی این شعر را می‌خواند اضافه کنند و ابیاتی با این مضمون که «و قبر بطوس یالها من مصیبة، الحت علی الاحشاء بالزفرات الی الحشر حتی یبعث الله قائما یفرج عنا الغم و الکربات» را به این قصیده اضافه کردند.

اینجاست که دعبل خزاعی از امام رضا(ع) می‌پرسند: آقا! آنجا قبر کیست؟ ایشان می‌فرمایند: قبر من است و روزها و شب‌ها به پایان نخواهد آمد مگر آنکه شهر توس محل رفت و آمد پیروان و زائران من شود، به‌درستی که هر که در شهر توس و غربت من را زیارت کند، روز قیامت با من در درجه من باشد و گناهانش آمرزیده شود.

در این ابیات پایانی امام رضا(ع) نه تنها درباره مکان قبر خویش صحبت می‌کنند بلکه به این موضوع اشاره دارند که فضیلت زیارت ایشان از چه ویژگی‌هایی برخوردار است.

از دیدگاه امام رضا(ع)، ظهور امام زمان(عج) ظهور عدالت و امام عصر(عج) امام عدالت هستند، ایشان هم در این بیت و هم در روایت دیگر به تربیت نسل و مسئله صبر و مقاومت تأکید می‌کردند.

امام رضا(ع) همواره در سخنان خویش به این نکته توجه داشتند که صبر در سه بخش از دیدگاه پروردگار، از دیدگاه پیغمبر(ص) و از دیدگاه اهل بیت(ع) مورد توجه است. نخست صبر از دیدگاه پروردگار یعنی کتمان راز، دوم این مقوله از دیدگاه پیغمبر به معنای مدارا با مردم عنوان شده و در مرحله سوم صبر در مقابل دشمنان پروردگار و اسلام است.

با این توضیح به این نتیجه می‌رسیم صبر سرچشمه بسیاری از فضائل است و انتظار برای فرج یعنی انتظار برای ظهور عدل و داد و تلاش برای رفع ظلم و ستم.

پنجره

چرا ما تعطیل کنیم؟

علامه حسن‌زاده آملی می‌گوید: «درس استاد شعرانی تقریباً هیچ تعطیلی نداشت. در طول سال تنها دو روز تعطیل بود: یکی عاشورا و دیگر [روز] شهادت رسول خدا(ص) و امام حسن مجتبی(ع). یک روز پربرف زمستانی برای درس به منزل ایشان رفتم و عذرخواهی کردم که با این برف [سنگین] نباید مزاحم شوم. [ایشان] فرمود: شما روزهای قبل که می‌آمدید، گداهای گذر بودند. امروز چطور؟ گفتم: بودند. علامه فرمود: آن‌ها کارشان را تعطیل نکردند، چرا ما تعطیل کنیم؟!»